

صدمین سرقت، باند «عقاب» را

به دام انداخت

من از ترس تعادل را از دست دادم و زمین خوردم و داد و فریادم نیز به جایی نرسید.» با افزایش شمار شاکیان تحقیقات برای شناسایی سارقان در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت، اما مأموران در بررسی دوربین‌های مداربسته محل‌های حادثه متوجه شدند سارقان ماسک بهداشتی به صورت دارند و پلاک موتورشان را هم مخدوش کرده‌اند و به این شیوه هیچ ردی از خود به‌جا نگذاشته‌اند.

پژاکت. در جریان این تعقیب و گریز، زندان مشکی پوش تعادل خود را از دست دادند و پس از برخورد با یک مانع واژگون شدند. مأموران پلیس که در محل حاضر شده بودند، بلافاصله متهمان را دستگیر و به اداره پلیس منتقل کردند. بررسی سوابق آنها نشان داد هر دو از اعضای همان باند موایل قاپان سر یالی هستند که مدتی بود تحت تعقیب پلیس قرار داشتند.

متهمان دستگیر شده در بازجویی اولیه اعتراف کردند عضو باند شش نفری هستند که همه سرقت‌ها را به دستور سر کرده باند معروف به «عقاب» انجام می‌دادند و در نهایت هم در صدمین سرقت گرفتار شده‌اند. با استفاده از اطلاعاتی که این دو سارق در اختیار کارآگاهان گذاشتند، مأموران به مخفیگاه سر کرده باند اعزام شدند و علاوه بر او، سه نفر دیگر از اعضای باند را نیز بازداشت کردند. در بازرسی از مخفیگاه متهمان، تعداد زیادی گوشی مسروقه و یک دفترچه کشف شد که گزارش سرقت‌ها در آن ثبت شده بود. متهمان در برابر مأموران با رگزدن فقره موایل قاپی در پایتخت اعتراف کردند و تحقیقات تکمیلی از متهمان ادامه دارد.

خلافکاران شدی؟

سرقت‌ها را از نوجوانی در آلمان شروع کردم، آنجا گاهی از فروشگاه یا دست‌فروش‌ها سرقت می‌کردم. البته در این کشور دستگیر نشدم و همراه خانواده‌ام زندگی می‌کردم. وقتی به ایران برگشتم، جذب باند موایل قاپی شدم و بعد از چند بار دستگیری تصمیم گرفتم باند خودم را راه بیندازم. آخرین بار که از زندان آزاد شدم، این گروه را تشکیل دادم و الان هم که سابقه دارم.

معتادی؟

اعتیاد ندارم، اما داروی اعصاب و روان مصرف می‌کنم.

مشکل مالی داشتی یا می‌خواستی یک شبه ره صد ساله را بروی؟
مشکل مالی ندارم، خانواده‌ام تحصیلکرده‌اند و وضع مالی خوبی دارند. آنها می‌گویند بیماری روحی و روانی دارم. عاشق هیجان سرقت بودم؛ از کودکی می‌خواستم این

آرمین پینا
مأموران پلیس تهران پس از دریافت چند سرقت موایل قاپی از سوی سارقان موتورسوار، شش عضو این باند حرفه‌ای را به دام انداختند. سر کرده این باند سرد تحصیلکرده‌ای معروف به عقاب است که ادعا می‌کند در صدمین سرقت بازداشت شده‌اند.

چندی پیش مأموران پلیس تهران در جریان سرقت‌های سر یالی تلفن همراه از سوی دو مرد موتور سوار قرار گرفتند. گزارش‌ها و شکایت‌های رسیده حکایت از آن داشت دو موتورسوار با سرعت عمل بالا و در زمانی کمتر از یک چشم‌به‌هم‌زدن، گوشی را از دست عابران با افرادی که مشغول صحبت با تلفن همراه بودند، می‌قایپند و با موتور فرار می‌کردند.

اظهارات یک شاک

یکی از شاکیان که زن جوانی بود در توضیح ماجرا گفت: «داخل خیابان در حال حرکت بودم که تلفن همراهم رنگ خورد. یکی از دوستانم پشت خط بود و جواب دادم، اما دستش قاپیپند. زن جوان با فریاد از رهگذران کمک خواست و یکی از شهروندان که خود نیز سوار بر موتور بود، به تعقیب سارقان

گفت‌وگو با متهم

سرقت در آلمان
سر کرده باند معروف به عقاب، ادعا می‌کند همراه خانواده‌اش در کشور آلمان زندگی می‌کرده و اولین سرقت‌هایش را در همان کشور انجام داده‌است.

خودت را معرفی کن. چرا اسم «عقاب» را انتخاب کردی؟
من ۳۷ ساله‌ام، اقامت کشور آلمان را داشتم و تا ۱۷ سالگی آنجا زندگی کردم. وقتی به ایران برگشتم تا فوق لیسانس هم درس خواندم، مسلط به زبان‌های انگلیسی، آلمانی و فرانسوی هستم. بین خلاقان هم معروف به عقاب ایران شدم، چون جسور و پر قدرت هستم. البته مثل عقاب در موایل قاپی سریع عمل می‌کنم، به‌طوری‌که طعمه برای لحظاتی گیج و مهیوت می‌ماند.

از کجا و چطور وارد جرگه



عامل قتل راننده اسنپ در صفادشت به قصاص محکوم شد

غلامرضا مسکنی
پرونده خونین صفادشت شهر یار که در آن راننده یک تاکسی اینترنتی در جریان سرقتی خونین جان خود را از دست داد، پس از ماه‌ها تحقیق و بازجویی کامل شد و سه متهم این پرونده در شعبه سیزدهم دادگاه کیفری یک استان محاکمه شدند قضات دادگاه متهم اصلی به نام فرزاد را به قصاص محکوم کرد. شامگاه ششم بهمن ماه سال ۱۴۰۲ زن سالخورده‌ای وحشت‌زده با مأموران پلیس شهرستان شهریار تماس گرفت و گفت مردی زخمی و نیمه‌جان پشت درخلفاش در یکی از خیابان‌های صفادشت افتاده‌است. با اعلام این خبر به سرعت تیمی از مأموران به محل حادثه اعزام شدند. وقتی مأموران رسیدند، دریافتند لحظاتی قبل مرد زخمی از سوی خانواده‌اش برای درمان به بیمارستان منتقل شده‌است. پیرزن به مأموران گفت: «در خانه نشسته بودم که صدای در خانه را شنیدم. فردی با مشتب به در می‌کوبید. به سرعت به طرف در رفتم و وقتی در را باز کردم، مردی جوان را دیدم که خون از بدنش جاری بود و به سختی نفس می‌کشید. گفت راننده اسنپ است و مسافرش او را با چاقو زده و خفت کرده و گوشی و ماشینش را برده‌اند. التماس می‌کرد به همسرش رنگ بزنم. با شمارهای که گفت تماس گرفتم و خانواده‌اش آمدند و او را به بیمارستان رساندند.»

پایان تلخ در اتاق عمل

مأموران پس از حضور در بیمارستان دریافتند مرد زخمی که «احمد» نام داشت، به دلیل خونریزی شدید و جراحات متعدد، در اتاق عمل جان خود را از دست داده‌است. با مرگ او، پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و بازپرس جنایی دستور بررسی فوری ماجرا را صادر کرد. بدین ترتیب تیمی از کارآگاهان زنده پلیس آگاهی پایتخت برای بررسی وارد عمل شدند.

اعتراف درنفاک همسر مقتول

همسر احمد در تحقیقات گفت: «وقتی به خانه پسر زن که در نزدیکی خانه‌ام است، رسیدیم، احمد حال بسیار بدی داشت. در راه بیمارستان همه چیز را برام تعریف کرد. گفت آن شب سه مسافر دو زن و یک مرد را سوار کرده و به سمت باغی در حوالی صفادشت در حرکت بوده. نزدیک مقصد، مرد جوان ناگهان به او حمله کرد و به چاقو ضربه زد.است. آنها برای سرقت خودرو و گوشی با او درگیر شدند و بعد از چند ضربه، احمد را از ماشین بیرون انداختند و حتی با ماشین خودش از رویش رد شدند. شوهرم با خودرویش راننده تاکسی اینترنتی بود و از این راه هزینه زندگی من و دو پسر خردسال را می‌داد و زمان مرگش نگران دو فرزندش بود.» به گفته پزشکان، فرو رفتن یکی از دنده‌های قفسه سینه‌اش در ریه و قلب، علت اصلی مرگ احمد بود.

کشف قاتل فراری

روز بعداز جنایت، خودروی مقتول در دو خیابان بالاتر از محل حادثه پیدا شد. خودرو آسیب‌دیده و وها شده‌بود. مأموران حسد دزدن عاملان جنایت پس از درگیری آن را تخریب و فرار کرده‌اند.

ردیاب قاتل فراری

در ادامه، شماره‌ای که با آن سفر اینترنتی ثبت شده‌بود، از سوی مأموران بررسی شد. صاحب خط زنی میاسال بود که گفت پسرش «فرزاد» آن شب با استفاده از تلفن او تاکسی اینترنتی گرفته و از آن زمان ناپدید شده‌است. بدین ترتیب متهمان مأموران دریافتند فرزاد، عامل اصلی حادثه، پس از جنایت گریخته‌است.

ردیابی گوشی مقتول

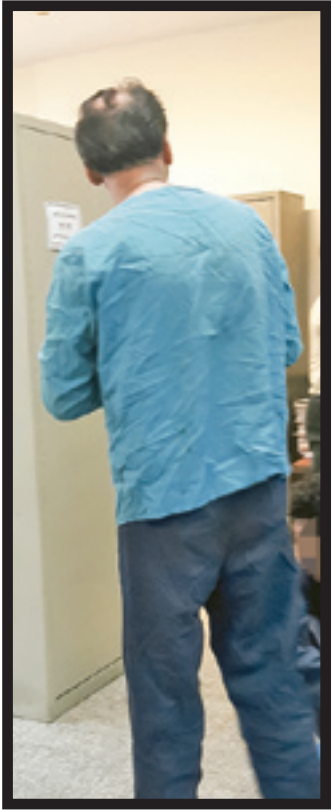
چند روز بعد، ردیابی تلفن همراه سرقت‌شده احمد، سرخ تازه‌ای به دست داد. گوشی توسط زنی جوان روشن شده‌بود. مأموران در عملیاتی غافلگیرکننده او را در یکی از ایستگاه‌های متروی تهران دستگیر کردند. زن گفت گوشی را برادرش «کامبیز» برایش خریده است. بدین ترتیب کامبیز بازداشت و به اداره پلیس منتقل شد و در بازجویی گفت تلفن را از جوانی به نام فرزاد به قیمت ۸۰۰ هزار تومان خریده‌است. صحت اظهارات وی تأیید شد و وی مخفیگاه متهم را به مأموران نشان داد. با اطلاعاتی که کامبیز به مأموران داد فرزاد در مخفیگاهی شناسایی و در عملیاتی ضربتی دستگیر شد.

اعتراف فرزاد و دستگیری همدستان

فرزاد در بازجویی گفت: «آن شب با دو دختر جوان به نام‌های پریسا و آهو تصمیم گرفتم راننده یک تاکسی اینترنتی را خفت کنیم. سه نفری سوار شدیم. وقتی به نقطه خلوتی رسیدیم، درگیر شدیم و راننده را با چاقو زدیم. البته ضربات کاری را پریسا دختر مورد علاقه‌ام به راننده زد و بعد هم فرار کردیم.» پلیس در ادامه پریسا و آهو را نیز دستگیر کرد، اما آن دو ادعا کردند از نیت فرزاد بی‌خبر بوده‌اند. پریسا گفت: «ما فقط مسافر بودیم. وقتی فرزاد به راننده حمله کرد، شو که شدیم، در تسدیدم و جرئت دخالت نداشتم.»

صدور کیفرخواست و پایان تحقیقات

پس از بازسازی صحنه جنایت و اعتراف متهمان، پرونده کامل شد. بازپرس پرونده با توجه به اینکه علت اصلی مرگ احمد، زیر گرفته شدن او با خودرو بوده، برای فرزاد اتهام مباشرت در قتل عمد و سرقت مقرون به آزار صادر کرد. دو متهم دیگر، پریسا و آهو، نیز به مشارکت در سرقت مقرون به آزار متهم شدند. پرونده این حادثه خونین برای رسیدگی به شعبه سیزدهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد و چند روز قبل متهمان محاکمه شدند. قضات دادگاه با توجه به مدارک و اعتراف و نظریه پزشکی قانونی فرزاد را به قصاص محکوم کرد. حکم قصاص متهم پس از تأیید در دیوان عالی کشور برای مسیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام فرستاده می‌شود.



هیجان را تجربه کنم. من خودم را ناایمن می‌دانم، اما خانواده و بستگانم می‌گویند به خاطر همین مشکلات روحی و روانی به سرقت اعتیاد پیدا کرده‌ام.»

درباره شیوه سرقت‌ها توضیح

من و دوستانم که شش نفر هستیم، وقتی از زندان آزاد شدیم این گروه را تشکیل دادیم که آنها از من خواستند سر کرده باند باشیم، چون می‌گویند نابغه‌ام. باند ما معروف به عقاب شد و همه یکدست مشکمی می‌پوشیدیم و کلاه نارنجی به سر می‌گذاشتیم و ماسک سفید به صورت می‌زدیم و ششپه رند عقاب می‌شدیم. برای اینکه دیرتر شناسایی شویم، من به اعضا می‌گفتم دو نفر دو نفر به سرقت بروند و هر کس در حال صحبت با گوشی بود، طعمه می‌شد. البته اعضای باند گاهی گرانیقیمت و بی‌ارزش را از دور تشخیص

می‌دادند و برای گوشی خطر می‌کردند که ارزشش را داشت. پس از سرقت هم به سرعت فرار می‌کردند.

دفترچه کشف شده در مخفیگاه موضوعش چیست؟

من همه سرقت‌ها را در دفترچه می‌نوشتم تا سه‌هم هر کس مشخص شود. البته در صدمین سرقت قرار بود بعد از آمدن همدستانم به مخفیگاه در دفترچه بنویسم که برای ما بد آورد و دستگیر نیایم.

فکر می‌کردی دستگیر شوی؟

بله، اما نه در صدمین سرقت. فکر می‌کردیم به این زودی دستگیر نشویم و شاید دو، سه سال دیگر، چون ما خیلی حرفه‌ای عمل می‌کردیم و هیچ سرنخی از خودمان به جا نمی‌گذاشتیم.

حرف آخر؟

پشیمانم، چون از زندگی‌ام چیزی جز فرار، دستگیری و زندان ندیدم.

خودکشی یا قتل؟

مدرک و نشانه‌ای مبنی بر دخالت خانواده آرزو در مرگ کیوان وجود ندارد. کارشناس پزشکی قانونی نیز اعلام کردند نحوه سقوط و آثار جراحات با فرضیه «پر تاب از ارتفاع دیگران» همخوانی ندارد و خودکشی تأیید شد. در نهایت، بازپرس پرونده با صدور قرار منع تعقیب، پرونده را مختومه اعلام کرد.

اعتراض

با این حال، خانواده کیوان دست از پیگیری برنداشتند و به قرار داسر اعتراض کردند. یکی از اعضای خانواده با شکایت جدیدی گفت: «ما هنوز باور نداریم پسرمان خودکشی کرده است. آواز طرف خانواده آرزو به شدت تهدید شده بود و حتی آنها گفته بودند نابودش می‌کنند. پسر ما قربانی آن تهدیدهاست و باید حقیقت روشن شود.»

اکنون با اعتراض خانواده، پرونده مرگ کیوان برای بررسی دوباره در شعبه سوم دادگاه کیفری استان تهران در حال رسیدگی است.

قوه قضائیه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک - کرج - ناحیه سه
هيات موضوع قانون تعيین تکليف وضعت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۰ آئين قانون تعيین تکليف وضعت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۳۷۷/۱۱۰۰۳۳۱۱۰۴۰۴۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۴ هیات موضوع قانون تعيین تکليف وضعت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج ، تصرفات مالکانه بلعارض متقاضی خانم آمنه اکبر فلاحي به شناسنامه شماره ۴۷۲ صادره از تکناکين فرزند علی در ششدانگ یک قطعه زمين با بنای احداتی در آن به مساحت ۹۰ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۵۵۰ فرعی از ۱۷۰۰ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای لطفعلی بخشی و با مالکیت مالک اولیه آقای رجبعلی ترابی (که توسط فرزندان وی آقایان داود و غلامرضا ترابی منتقل گردیده) تایید می نماید . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۲۶
شماره آگهی: ۲۰۳۴۵۵۵
حسین رضائوری ناه - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعيین تکليف وضعت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
هيات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان پیرانشهر به شرح آرای صادره هيات اول موضوع قانون تعيین تکليف وضعت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک پیرانشهر تصرفات مفروزی و مالکانه متقاضیان مشروح ذیل واقع در بخش ۲۲ ارومیه پلاک ۲۱- اصلی روستای دریکه را تایید و رای به صدور سند مالکیت صادر نموده که به شرح ذیل جهت اطلاع عموم آگهی می گردد.
۱- پلاک ۱۷۲۲ فرعی ۲۱- اصلی بخش ۲۲- ارومیه ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۷۰/۸۰ مترمربع بنام آقای محمد ایوبکری فرزند فتح بشماره ملی ۲۸۹۹۵۵۹۹۲۲ واقع در شهرستان پیرانشهر خریداری از آقای عبدالله حسینی.
۲- پلاک ۱۷۲۲ فرعی ۲۱- اصلی بخش ۲۲- ارومیه ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۳۸ مترمربع بنام آقای محمد ایوبکری فرزند فتح بشماره ملی ۲۸۹۹۵۵۹۹۲۲ واقع در پیرانشهر خریداری از آقای عبدالله حسینی.
بنا به رای صادره در اجرای ماده ۳ قانون تعيین تکليف وضعت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۲ آئين نامه اجرائی آن مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع عموم و مالکين مشاعی و سایر صاحبان حقوق آگهی میشود لذا در صورتی که اشخاص به آزا صادره اعتراضی داشته باشند، باید از تاریخ انتشار نوبت اول و در روستاهای تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک پیرانشهر تسلیم و رسید اخذ نمایند . معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض یا مدت یک ماه بعد از تاریخ تسلیم و رسید خود را به اداره ثبت تحویل نماید و در این صورت اقدامات ثبت موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه خواهد بود، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد، یا معترض گواهی مشعر بر تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی را ارائه نکند اداره ثبت مجادرت به صدور سند مالکیت می نماید صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵
شماره آگهی: ۲۰۳۷۴۰۷
حبیب الهامی - اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان پیرانشهر